

## نگاهی دوباره به نویسنده الرجال برقی

فریما میرزائی<sup>۱</sup>  
اعظم فرجامی<sup>۲</sup>  
جمال فرزندوحی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

DOI: 10.22051/tqh.2019.21710.2129

### چکیده

رجال‌شناسان متقدم معمولاً در شمار کتابهای احمد بن محمد برقی از کتاب الرجال یاد می‌کنند. با اینهمه ابن‌ندیم از نخستین کسانی است که این انتساب را به پدر احمد، محمد بن خالد برقی باز می‌گرداند و حتی کتاب دیگر احمد یعنی المحاسن را به پدر منسوب می‌کند. پس از وی، معاصرانی چون آقابزرگ تهرانی این ادعا را به نوعی دیگر بازگو کردند. شوشتری با قرائنی چند، نهایی‌ترین دیدگاه را مطرح کرد و الرجال برقی را به نواده احمد برقی منسوب دانست. دیدگاه شوشتری اکنون پذیرفته شده و متقن به نظر می‌رسد. با اینهمه خطای در برداشت از عبارت برقی در این دلایل وجود دارد؛ زیرا عبارت «کتاب سعد» به کتاب سعد بن سعد اشاره دارد و نه کتاب سعد بن عبدالله که شوشتری مدعی است. تصریح متقدمان، انصراف نام برقی به احمد برقی در کتابهای رجالی و نیز شهرت فراگیر احمد برقی از دلایلی است که نشان می‌دهد، کتاب الرجال به وی تعلق دارد.

**کلید واژه‌ها:** احمد بن محمد برقی، الرجال برقی، رجال‌شناسی، تاریخ حدیث.

### ۱. مقدمه

رجال برقی کهن‌ترین کتاب رجالی شیعه است که باقی مانده است. در اینکه کدام یک از افراد خاندان برقی این کتاب را نوشتند، تردید است. معمولاً آن را به احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۷۴ ق) نسبت می‌دهند. نیاکان احمد برقی، از شیعیان کوفه بودند که بعد از قیام و قتل زید بن علی (ع) و کشتن شدن جد برقی در زندان، به قم گریختند و در منطقه برق‌رود ساکن شدند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۲). به نظر می‌رسد بیشتر خاندان برقی در قم در زمره بزرگان و

Mirzaie.f۷۲@gmail.com

azamfarjami@yahoo.com

farzandwahy@yahoo.com

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی

دانشمندان قرار گرفتند؛ زیرا نجاشی و طوسی تنی چند از عموها و عموزادگان احمد برقی را نام می‌برد که صاحب کتاب، فقیه، ادیب و در نقل حدیث موثق بودند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۶۱ و ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۹۹).

محمد بن ابوالقاسم ماجیلویه، بزرگ طایفه امامیه در قم، که فرزندانش از اساتید شیخ صدوق بودند، داماد احمد برقی است. نجاشی و طوسی به این نسبت و نیز اسامی فرزندان ماجیلویه که تحت تعلیم برقی بودند و بعدها از بزرگان و ناقلان وی شدند، اشاره کردند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۶۱ و ۳۵۳؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴). از این شواهد برمی‌آید که خاندان برقی در قم، ری، بغداد و کوفه از بزرگان علم حدیث و تاریخ و سیره محسوب می‌شدند؛ به گونه‌ای که بخش بزرگی از کتابهای حدیثی امامیه را به نویسندگان قرون چهارم و پنجم قمری منتقل کردند و در اسناد و طرق نقل این کتابها نام برده شدند.

## ۲. شخصیت احمد برقی

ابوجعفر احمد بن ابو عبدالله محمد برقی را از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۷۳ و ۳۸۳) و فی نفسه ثقه دانستند؛ با اینهمه به سبب نقل بسیار از اساتید ضعیف و اعتماد به روایات مرسل، بر او خرده گرفتند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۲). به گونه‌ای که به سبب همین طعن و ایراد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم اخراج کرد؛ هرچند بعدها پشیمان شد و از وی عذر خواست (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۳۹). بی‌دقتی در نقل از روایان ضعیف، ایرادی است که بر پدرش محمد بن خالد برقی هم وارد شده است (نک: همو، ص ۹۳؛ نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۳۵).

## ۳. انتساب الرجال برقی

نسخه موجود الفهرست ابن ندیم که با افتادگی و تا حدودی آشفتگی همراه است، الرجال را به برقی پدر نسبت می‌دهد. آقابزرگ تهرانی و شوشتری نیز از رجال‌شناسان معاصر هستند که این کتاب را گاه به پدر و گاه به نوادگان احمد برقی نسبت می‌دهند. عبارات این فهرست‌نگار کهن و دو رجالی معاصر گزارش و بررسی می‌شود.

### ۳-۱. ابن ندیم

نخستین کسی که درباره انتساب رجال برقی به احمد برقی تردید ایجاد کرد، ابن ندیم است. وی دو کتاب «کتاب الرجال» و «کتاب طبقات الرجال» را در شرح حال ابوعبدالله محمد بن خالد برقی نام می‌برد (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۷۶). ابن ندیم کتاب الرجال را چنین معرفی می‌کند: «فیه ذکر من روی عن أمير المؤمنين (ع) و همچنین طبق دست خط ابوعلی بن همام اسکافی (۳۳۶ ق)، کتاب طبقات الرجال را یکی از ابواب و کتابهای المحاسن می‌داند (همانجا). بنابراین، ابن ندیم کتاب مشهور المحاسن را نیز به محمد بن خالد نسبت می‌دهد. این در حالی است که همه رجالیان متقدم شیعه، المحاسن و کتابهای نام برده شده ذیل آن را به احمد برقی پسر، و نه محمد برقی پدر، نسبت می‌دهند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۵)؛ افزون بر آن، هیچ‌یک از رجالیون برای محمد بن خالد برقی کتاب رجالی معرفی نکردند.

نجاشی محمد بن خالد برقی را ادیب و آشنا به تاریخ و علوم عرب گزارش می‌کند و نام هشت کتاب وی را می‌آورد (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۳۵) و شیخ طوسی نیز تنها با ذکر «له کتاب النوادر» از یک کتاب وی یاد می‌کند (طوسی، ۱۴۲۲،

ص ۲۲۶). به جز دو دلیل یاد شده، قرینه سوم برای رد انتساب الرجال به برقی پدر، آشفتگی متن ابن ندیم است. در کتاب ابن ندیم، پس از دو خط شرح حال و معرفی محمد بن خالد، حسن بن محبوب سراد معرفی می شود و سپس به ادامه شرح حال و معرفی کتابهای محمد بن خالد پرداخته می شود. به نظر می رسد متن دو پاره شده یا بخشی از شرح حال فرد دیگر در شرح حال محمد بن خالد داخل شده است. گمان دوم وقتی تقویت می شود که نفر بعدی که شرح می شود، پسر محمد خالد برقی، احمد بن محمد بن برقی است (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۷۷).

### ۲-۳. آقابزرگ تهرانی

آقابزرگ تهرانی نیز به تعدد کتابهای رجالی در خاندان برقی اعتقاد دارد. وی بنا بر گزارش ابن ندیم، بر آن است که برقی بزرگ صاحب کتاب الرجال است و بنا بر گزارش نجاشی، برقی کوچک دو کتاب با موضوع رجال داشته است. از میان این سه کتاب، تنها کتاب الطبقات از احمد بن محمد برقی پسر باقی مانده است (نک: آقابزرگ تهرانی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۱۳۹؛ همان، ج ۱۰، ص ۱۰۰). بنابراین آقابزرگ کتاب رجالی باقیمانده را متعلق به برقی پسر دانسته و آن را کتاب الطبقات می خواند. در اینکه شیوه تنظیم رجال موجود برقی بر اساس طبقه صحابیان هر معصوم از پیامبر به بعد است، شکی نیست؛ اما به نظر نمی رسد در الرجال خواندن این کتاب، به جای نامگذاری الطبقات، سهوی رخ داده باشد. این ادعا از آن روست که کتاب طبقاتی دیگر شیعه، الرجال شیخ طوسی، هم الرجال نامیده شده است. الرجال خواندن کتاب شیخ طوسی هم از سوی خود شیخ طوسی و هم از سوی معاصرانش مانند نجاشی صورت گرفته است؛ زیرا هر دو از الرجال طوسی که به شیوه طبقات نگارش یافته است با عنوان «کتاب الرجال من روی عن النبی (ص) و عن الأئمة (علیهم السلام)» و «کتاب الرجال الذین رووا عن النبی و الأئمة الاثنی عشر و من تأخر عنهم» یاد می کنند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۴۰۳؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۴۱). بنابراین به نظر نمی رسد نگارش به شیوه طبقات لازمه نامگذاری کتاب به همان عنوان هم باشد و می توان کتاب فعلی را هم رجال و هم طبقات خواند. از این رو دو بار ذکر کردن کتاب رجالی برای احمد برقی می تواند اشتباه نجاشی باشد؛ زیرا فهرست طوسی خالی از ذکر دو کتاب رجالی برای برقی است. با این تحلیل، استدلال آقا بزرگ درباره سه کتاب رجالی داشتن برای خاندان برقی پذیرفتنی نیست.

### ۳-۳. علامه شوشتری

مشهورترین دیدگاهی که هم اینک پذیرفته شده و بیشتر معاصران درباره نویسنده رجال برقی به آن قائل هستند، تعلق کتاب به احمد برقی پسر یا محمد برقی پدر نیست؛ بلکه انتساب آن به پسر احمد برقی، عبدالله بن احمد، است که استاد کلینی بوده یا انتساب به نوه احمد برقی، احمد بن عبدالله، که استاد صدوق بوده است. به نظر می رسد نخستین کسی که این نظریه را مطرح کرده است، علامه شوشتری باشد؛ زیرا پس از او، همگان به وی نسبت می دهند. علامه شوشتری در فصل هجدهم مقدمه قاموس الرجال کتابهایی را که درباره نویسنده آن اختلاف است، بررسی می کند. ابتدا به رجال برقی و سپس به رجال ابن غضائری می پردازد. وی می آورد:

«فقال بعضهم: إنه لأحمد بن أبي عبدالله البرقي و قال بعضهم: إنه لأبيه محمد بن خالد البرقي و كلاهما وهم و كيف يمكن أن يكون لهما؟ و قد استند في كثير من رجاله إلى كتاب سعد بن عبدالله القمي و سعد كان من تلامذة أحمد الابن و عنون فيه عبدالله بن جعفر الحميري و صرح بسماعه منه فيكون شيخه مع أن عبدالله كسعد تلميذ أحمد الابن و عنون أحمد بن أبي عبدالله فيه و لم يذكر أنه مصنف الكتاب كما هو القاعدة في من يذكر نفسه في كتابه كما فعل الشيخ و النجاشي في فهرستيها و العلامة و ابن داود في كتابيهم و عنون محمد البرقي و لم يشر إلى أنه أبوه و الذي يعلم من ملاحظة الطبقة: أنه لعبد الله بن أحمد البرقي الذي يروي عنه الكليني أو أحمد بن عبدالله البرقي الذي يروي عنه الصدوق و الثاني أقرب لعنوانه سعدا و الحميري كما عرفت» (شوشتری، ۱۴۱۹، ج 1، ص ۴۵).

بنابراین علامه شوشتری با چهار دلیل انتساب کتاب به احمد برقي یا پدرش را رد می کند و کتاب را به پسر احمد برقي یا نوه وی منسوب می داند. دلایل شوشتری از این قرار هستند:

الف- در کتاب رجال برقي فراوان به کتاب سعد بن عبدالله قمي استناد شده است؛ در حالیکه سعد از شاگردان احمد است.

ب- در رجال برقي به سماع از عبدالله بن جعفر حميري تصريح شده است که نشان از استادی حميري بر برقي دارد و حال آنکه عبدالله حميري همانند سعد از شاگردان برقي است.

ج- هنگام شرح حال احمد بن محمد برقي به اینکه وی صاحب کتاب است، اشاره نمی شود. این در حالی است که نویسندگان کتابهای رجالی مانند نجاشی و طوسی و علامه حلی و ابن داود این رسم را رعایت کردند.

د- هنگام شرح حال محمد بن خالد برقي هم به نسبت پدری وی با نویسنده اشاره نمی شود.

پس از شوشتری، بیشتر کسانی که درباره نویسنده کتاب رجال برقي سخن گفتند، به همین دلایل اشاره کردند. آنان گاه به نام شوشتری این مطالب را ارجاع می دهند (برای نمونه نک: ملکیان، ۱۳۹۲، ش ۱۴۰، ص ۵۱) و گاه از وی یادی نمی کنند (برای نمونه نک: سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۷۲).

### بررسی دلایل شوشتری

برای رد انتساب رجال برقي به احمد برقي، مهم ترین دلایلی که برمی شمارند، معمولاً به شوشتری و سخنانش باز می گردد؛ از این رو متن وی را که شامل چهار دلیل می شود، به تفصیل بررسی و مذاقه می کنیم.

#### ۱-۳-۳. کتاب سعد

درباره دلیل اول باید گفت استقصاء و جستجویی کامل در رجال برقي انجام شد اما هیچگاه نام سعد بن عبدالله به صورت کامل در این کتاب به دست نیامد. برقي در هشت مورد هنگام معرفی راویان، با عبارت مختصر «فی کتاب سعد» از آن اطلاعاتی را گزارش می کند (نک: برقي، بی تا، الف، ص ۲۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۶ و ۵۳).

جستجو و مطالعه اساتید و مشایخ احمد برقی، نشان می‌دهد وی در سلسله سند کتاب و احادیث سعد بن سعد بن احوص اشعری قمی قرار دارد. سعد بن سعد بن مالک بن احوص اشعری قمی از طبقه اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد (ع) و توثیق شده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۵۸ و ۳۷۵؛ برقی، بی تا، الف، ص ۵۱). نجاشی دو کتاب برای سعد بن سعد معرفی می‌کند: «کتابه المبوب روایة عباد بن سلیمان... کتاب غیر المبوب روایة محمد بن خالد البرقی،... مسائله للرضا علیه السلام» (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۷۹).

از مطالعه کتابهای تاریخی برمی‌آید چنان‌چنان خاندان و فرزندان سعد احوص در قم فزونی و جایگاه ویژه ای یافته بودند که تیره‌ها و بزرگان هر یک نام برده شدند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۸) و حتی به کاریز و قناتی که سعد بن عامر بن سعد اشعری در قم حفر کرده بود، اشاره شده است (همان، ص ۴۱). مقایسه اجداد سعد بن سعد اشعری و احمد بن محمد بن عیسی اشعری نشان می‌دهد اولی از نیاکان محدث قمی دوم است؛ با این حال احمد عیسی برای دسترسی به سلسله سند سعد بن سعد، از نقل برقی و پدرش استفاده کرده است. مطالعه کتابهای رجالی نیز حاکی است همه کتابهای سعد بن سعد را احمد برقی و پدرش به رجال شناسان معرفی کردند. در طریق کتاب باب بندی نشده سعد بن سعد، احمد برقی به نقل از پدرش روایت می‌کند و همینطور در کتاب مسائل سعد از امام رضا (ع) نیز برقی پدر حضور دارد (نجاشی همان).

طوسی نیز دو بار از سعد اشعری یاد می‌کند؛ یک بار با نام سعد بن سعد اشعری (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۷۶) و بار دیگر با نام سعد بن احوص اشعری (همانجا) که رجال شناسان معاصر با قرائنی، هر دو نفر را یکسان دانستند (نک: خوبی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۶). یکی از این قرائن آن است که در هر دو بار نیز احمد برقی، راوی کتاب سعد است. افزون بر آن، برقی و پدرش راوی احادیث برادر سعد، اسماعیل بن سعد احوص اشعری هم هستند (نک: همان، ج ۴، ص ۵۲) که نشان می‌دهد احتمالاً خاندان برقی کتابهای خاندان سعد اشعری را در اختیار داشتند.

طبق شمارش خوبی، سعد بن سعد اشعری بالغ بر ۱۱۰ روایت در کتابهای اربعه شیعه حدیث دارد (خوبی، ج ۹، ص ۶۲ و ۶۸) که در بیشتر این روایات احمد برقی یا پدرش راوی وی هستند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۷۴، ۳۵۸ و ۵۱۴؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۶؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۹۲، ۳۱۶ و ۳۴۰؛ همان، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۹۵ و ۲۷۲).

در *المحاسن* برقی نیز روایاتی از برقی از سعد بن سعد اشعری یافت می‌شود (برقی، بی تا، ب، ج ۲، ص ۴۶۲ و ۴۷۷)؛ در حالیکه هیچ روایتی برای نقل برقی از سعد بن عبدالله یافت نشد. بیشتر روایات برقی از سعد بن سعد به صورت پرسشهای سعد با واسطه یا بی‌واسطه از امام رضا است که نشان می‌دهد کتاب دوم یعنی «مسائله للرضا (ع)» که نجاشی برای سعد یاد کرد، به صورت این روایات پراکنده در منابع حدیثی باقی ماندند. افزون بر آن، برقی کتابهایی درباره تاریخ داشته است. نجاشی از کتابی با نام کتاب تاریخ یاد می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶) در تاریخ قم مکرر از کتاب «بنیان» احمد برقی درباره اسامی روستاها و آبادی‌ها یا افرادی که آنها را بنا کردند، نقل قول می‌شود (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۰، ۵۶، ۵۹ و ۸۱). در فهرست کتابهای برقی که توسط طوسی و یاقوت حموی ارائه شده است به نام کتاب «تبیان» اشاره می‌شود که احتمالاً همان کتاب مورد ارجاع

تاریخ قم است (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۲؛ و نیز نک: حاجی خلیفه، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۸ و ۳۴۲). به نظر می‌رسد چون کتاب تاریخ قم به فارسی ترجمه شده است و از نسخه عربی اثری باقی نیست، احتمال دارد نام کتاب برقی در آنجا تحریف شده باشد. به هر روی بر اساس همین کتاب تاریخ قم، محمد برقی از سعد بن سعد اشعری درباره فضیلت شهر قم نقل می‌کند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۹۷). از این رو شاید بتوان گفت آن کتاب سعد اشعری که برقی در دو کتابش از آن یاد کرده، اطلاعاتی تاریخی و رجالی داشته است. به نظر می‌رسد این کتاب اثری مشهور و مورد استفاده بوده است؛ زیرا از نگاه نجاشی مخاطبان عبارت کتاب سعد را خواهند شناخت، چه به صورت مبوب و چه به صورت غیرمبوب؛ پس نیاز به توضیحی بیشتر ندیده است.

گفتنی است به رغم جستجوی فراوان همه کتابهای حدیثی، هیچ روایتی از احمد برقی یا خاندان و فرزندان او از سعد بن عبدالله قمی یافت نشد. بر اساس اطلاعات ذکر شده، روشن و بدیهی است که عبارت مبهم «کتاب سعد» در کتاب رجال برقی به کتاب سعد بن سعد اشعری و نه کتاب سعد بن عبدالله قمی، باز می‌گردد.

### ۳-۳-۲. سماع از حمیری

عبدالله بن جعفر حمیری بزرگ قمی‌ها بود که بعد از سال ۲۹۰ وارد کوفه شد و مجلس سماع حدیث وی آنجا رونق گرفت (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۱۹). او بیش از همه به نگاشتن کتابهایی درباره قرب الاسناد به سه امام هشتم، نهم و دوازدهم شهرت دارد. درباره سال شمار زندگی و وفات حمیری قبل از تاریخی که ارائه شد، اطلاعاتی در دست نیست.<sup>۴</sup> طبقاتی که برای وی در زمره اصحاب امام رضا(ع) (۲۰۴ ق) (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۸۹) و امام عسگری(ع) (۲۶۰ ق) (همان، ص ۴۰۰؛ برقی، بی تا، الف، ۶۰) ذکر کردند، بیشتر باعث ابهام در زمان زیست حمیری شده است. خویی فاصله زیاد نود ساله بین درک امام رضا(ع) و آخرین تاریخی را که برای زنده بودن حمیری ذکر کردند، بعید و دور از پذیرش می‌داند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۵۰).

آنچه مسلم است حمیری که در پایان قرن سوم، مجالس حدیثی شهرت یافته‌ای در کوفه می‌یابد، در نیمه این قرن انبان دانش خود را از احادیث و طرق آنها انباشته است. پس بعید نیست که اسناد و طرقی داشته که برای استادش احمد برقی، تازه است و باعث سماع احمد برقی از وی شده است. از این رو عبارت احمد برقی در *الرجال* «الذی سمعت منه بالفتح» چندان عجیب نمی‌نماید، گرچه سماع استاد از شاگرد باشد. آنچه که این نکته را بیشتر روشن می‌کند، عبارت دوم «بالفتح» است. اولین توجیهی که برای این عبارت به ذهن می‌رسد، ضبط کلمه حمیری است اما این توضیح چندان برای اسم حمیری لازم نمی‌نماید؛ زیرا تلفظ چندگانه‌ای ندارد و یای حمیری که انتساب به قبیله‌ای مشهور را می‌رساند، همیشه مفتوح است (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۷۰). فتح می‌تواند نام مکانی باشد که برقی از حمیری سماع داشته است. اما در شهر قم و اطراف آن به مکانی با این اسم

۴- گرچه در ضمن سندی از حمیری نقل می‌شود که در مجلس به سال ۲۷۸ قمری در قم حاضر بوده که در آن وصف امام یازدهم ذکر شده است، نک: طوسی،

اشاره نشده بود. تنها فرضیه باقیمانده آن است که فتح نام شخصی باشد و به این ترتیب منظور برقی آن است که «از حمیری درباره فتح سماع داشتم».

در بین راویان صاحب کتاب، تنها راوی با نام «فتح بن یزید جرجانی» یافت می‌شود. در سند نقل کتاب فتح، حمیری از احمد برقی نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۱۱). بنابراین احتمالاً عبارت برقی به همین سماع اشاره دارد؛ با این تفاوت که در طریق نجاشی حمیری از احمد برقی کتاب را اخذ کرده است و طبق نسخه رجال برقی، احمد برقی از حمیری آنها را سماع کرده است. احتمال دارد چون همیشه حمیری از برقی نقل کرده و طریق داده است؛ مستسخن بعدی طریق را اصلاح کردند به حمیری از برقی تا مطابق باقی اسناد و طرق باشد. قرینه‌ای که این احتمال را تقویت می‌کند توضیحی است که پسر حمیری، محمد بن عبدالله بن جعفر، درباره کتابهای برقی آورده است. وی می‌آورد که از یکی از کتابهای احمد برقی نسخه برداری کرده و از راویانش نقل نموده است؛ اما کتاب را از دست می‌دهد و به رغم جستجو از شیعیان قم، بغداد و ری نشانی از آن نمی‌یابد (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۴).

احتمال دارد از دست رفتن برخی روایات و کتابهای احمد برقی سبب شده، طریق کامل، دقیق و صحیح به روایات وی از دست برود و دیگر ناقلان بر اساس روش نقل همیشگی، نگاهشته‌ها و مسموعات وی را تغییر بدهند.

### ۳-۳-۳. اشاره به صاحب کتاب بودن

نجاشی (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۰۱) و طوسی (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۴۰) در کتاب های رجالی که نگاشتند، وقتی به نام خود می‌رسند، به عبارت «مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ» اشاره دارند. با اینهمه به نظر نمی‌رسد این رسم متداولی میان نویسندگان کتاب تراجم و رجال‌نگاری باشد که هنگام اشاره به نام خود، به نویسنده و صاحب آن کتاب بودن اشاره کنند؛ بلکه احتمالاً شیوه‌ای است که بیشتر در کتابهای رجالی بعد از قرن پنجم دیده می‌شود؛ برای نمونه ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) در *معالم العلماء* هنگام اشاره به نام خود، تالیفاتش را معرفی می‌کند و به صاحب کتاب بودن اشاره دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰). علی بن محمد علوی (۷۰۹ق) نیز هنگام برشمردن انساب علویان به صورت شجره نامه ای و طبقه ای به نام و نسب و فرزندانش اشاره می‌کند و خود را صاحب کتاب معرفی می‌کند (علی بن محمد علوی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۱). از مطالعه کتابهای رجالی قرن دوم و سوم چنین برمی‌آید که این رسم بین نویسندگان آن رایج نبوده است که به نام خود ذیل طبقات مربوطه اشاره یا به صاحب کتاب بودن تصریح کنند. برای مثال ابن سعد (۲۳۰ق) با وجود آنکه در کتاب *الطبقات الکبری* از معاصرانی که چند سالی پیش از وی درگذشتند، یاد می‌کند (برای نمونه نک: ابن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۹)، هیچگاه از خود ذیل طبقات بزرگان اهل بصره نام نمی‌برد. خلیفه بن خیاط (۲۴۰ق) نیز در کتاب طبقات خود از جدش خلیفه بن خیاط نام می‌برد و تصریح می‌کند که او پدر بزرگ من است (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۳۸۴) اما به نام خود یا صاحب تالیف بودن خویش اشاره ندارد. گذشته از این موارد، روش *الرجال* برقی در قریب به اتفاق طبقات و رجال نام برده شده، به صورت ذکر نام به تنهایی ذیل هر امام است و

اطلاعات دیگری درباره آنها داده نشده است. از این رو هنگام ذکر نام محمد برقی، احمد برقی، حمیری و دیگر کسانی که صاحب تالیف هستند، به نام کتابهای آنها اشاره نشده است تا در ضمن آن به صاحب کتاب *الرجال* بودن هم اشاره شود. با این اوصاف، رسم و آیینی که معاصران انتظار دارند در رجال احمد برقی به جا آورده شود تا مشخص گردد وی صاحب کتاب بوده است، تنها بر اساس شیوه و روش کتاب‌نویسی نویسندگان قرون میانی است. افزون بر آن سبک نگارش مختصرنویسی رجال برقی این انتظار را دور و کمرنگ می‌کند.

#### ۴. نویسنده رجال برقی

با دلایلی چند به نظر می‌رسد که نویسنده کتاب *الرجال* برقی، احمد بن محمد برقی است.

#### ۴-۱. تصریح متقدمان

نخستین و مهم‌ترین دلیل آنکه نجاشی و طوسی هر دو از میان خاندان برقی، تنها به کتاب رجالی داشتن احمد برقی اشاره دارند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۱). هر دو رجالی، پدر و برخی خاندان برقی مانند داماد و نوه‌های احمد برقی را نام بردند؛ اما برای هیچ یک از آنها کتابی رجالی یاد نکردند. افزون بر آن، هیچ کدام حتی شرح حال ویژه و خاص برای عبدالله بن احمد برقی پسر احمد یا نوه وی احمد بن عبدالله ذکر نکردند. گفتنی است با آنکه شوشتری مدعی است هر دوی آنها از اساتید کلینی و صدوق بودند (شوشتری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۵)، به رغم جستجوی گسترده و با کلید واژه‌های مختلف، هیچ روایت و نقلی از عبدالله بن احمد برقی در کتاب کافی یافت نشد. احمد بن عبدالله بن احمد برقی نیز هیچگاه استاد صدوق نبوده است، بلکه با توجه به اسناد کتابهای شیخ صدوق، علی بن احمد بن عبدالله بن احمد برقی استاد صدوق است (برای نمونه نک: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۶۵، ۸۸، ۱۱۱ و ۲۴۷؛ همان، ۱۳۸۷، ص ۹۹ و ۱۰۳).

یاقوت حموی (۶۲۶ ق) نیز از کسانی است که به واسطه اطلاعاتی که از یک کتاب تاریخی درباره شهر اصفهان اخذ کرده، به خوبی با زندگینامه و اسامی کتابهای احمد برقی آشناست و به صراحت «کتاب طبقات الرجال» را برای وی یاد می‌کند (یاقوت حموی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۲). از این رو تصریح رجالیان متقدم و بزرگ امامی و اهل سنت می‌تواند قرینه‌ای اصلی باشد که کتاب رجال فعلی را به احمد برقی نسبت دهیم.

#### ۴-۲. انصراف به نام احمد برقی

نجاشی هنگام نام بردن از کتابهای شیخ صدوق به «کتاب المعرفه بر رجال البرقی» اشاره می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۹۲)؛ گرچه از سخنان طوسی برمی‌آید که صدوق هیچگاه کتاب رجالش را تمام نکرد (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۳۸). به هر روی از کلمات نجاشی و عنوان کتاب صدوق چنین استنباط می‌شود که رجالیان متقدم بدون ذکر نام کوچک برقی از انتساب کتاب رجالی وی یاد می‌کردند و نزد همگان روشن بوده است که نویسنده آن کیست. شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به لسان و فضای ذهنی رجالیان و محدثان کهن، مراجعه به عبارات و نگاه‌هاست که آنان درباره استعمال نام «برقی» باشد.



از مطالعه لابلای متون رجالی کهن برمی آید که معمولاً نام «برقی»، اگر به صورت مطلق بیاید، به احمد برقی انصراف دارد. بالغ بر ده مورد در *الرجال نجاشی*، نام برقی در اسناد طرق به صورت مطلق آمده است (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۶۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۲۹۳، ۳۱۵، ۳۵۰، ۳۶۱، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۷ و ۴۶۱). بررسی و مقایسه با دیگر کتب رجالی و حدیثی نشان می‌دهد مراد از برقی به صورت مطلق در لسان و کاربرد نجاشی، احمد برقی است. برای نمونه نجاشی در شرح حال عبدالملک بن منذر می‌آورد: «قال حدثنا ابن بطة قال حدثنا البرقي قال حدثنا عبد الملك بكتابه» (همان، ص ۲۴۰). طوسی نیز در *الرجال*، این راوی را با وصف «روی عنه البرقي» (همان که برقی از وی نقل می‌کند) معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۴). طریقی که طوسی در *الفهرست* به کتاب عبدالملک بن منذر می‌دهد، چنین است: «له كتاب أخبرنا به جماعة عن أبي المفضل عن ابن بطة عن أحمد ابن أبي عبد الله عن عبد الملك بن المنذر» (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۹). طریق طوسی ابهام نام برقی را برطرف و روشن می‌کند که منظور نجاشی احمد برقی بوده است. در نمونه دیگر، نجاشی درباره کتاب عمران بن اسماعیل می‌آورد: «حدثنا البرقي عنه بكتابه» (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۹۳). بررسی کتابهای حدیثی نشان می‌دهد احمد بن محمد برقی است که راوی احادیث و کتاب عمران بن اسماعیل بوده است (نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۵۵۲).

از سوی دیگر با مطالعه و بررسی کتاب *الرجال* طوسی نیز نکاتی تایید کننده برای انصراف نام برقی به احمد برقی به دست می‌آید. طوسی در باب «من لم یرو عن واحد من الأئمة» بیش از پانزده بار راویانی را معرفی می‌کند که تنها با وصف «همان که برقی از او نقل کرده است» شناخته می‌شوند (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۸ و ۴۵۰). مقایسه اسامی و سندها نشان می‌دهد، مراد طوسی از برقی که به طور مطلق آمده، احمد برقی است. یکی از این موارد حسین بن زبرقان است که با بررسی اسناد کتابهای حدیثی مشخص می‌شود احمد برقی است که از وی نقل دارد (برای نمونه نک: صدوق، بی تا، ص ۶۳ و ۳۸۵؛ کلینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۷۹ و ۴۶۳). مثال دیگر آن یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۵۰) است که در اسناد احادیث زیادی احمد برقی راوی اوست (نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۶، ۳۴۹، ۴۷۶ و ۶۱۸). نمونه‌هایی از این دست در رجال نجاشی و طوسی فراوان است که نشان می‌دهد رجالیان و گاه محدثان معمولاً نام برقی، به صورت مطلق، را برای احمد بن محمد برقی به کار می‌بردند و به احتمال قریب به یقین مراد از رجال برقی در عنوان کتاب صدوق هم همین نویسنده از خاندان برقی بوده است.

### ۳-۴. شهرت احمد برقی

بی تردید از میان خاندان وسیع و مشهور برقی که بیشتر آنها از محدثان و اخباریان قم بودند، احمد بن محمد برقی مشهورترین، پرتألیف‌ترین و بزرگترین فرد خاندان بوده است. به ویژه در زبان و ادبیات رجالی نام وی مکرر به چشم می‌خورد. قرائنی از همان کتابهای رجالی این شهرت را تایید می‌کند که دو در بخش نسب‌شناسی خاندان برقی و حضور در طرق و اسناد روایات قابل ارزیابی است.

### ۱-۳-۴. محور خاندان برقی

اشاره شد که خاندان احمد برقی شامل عموها و عموزادگان وی با کتابها و روایاتی که نقل کردند، در کتابهای رجالی معرفی شدند. معمولاً در این معرفی‌ها، احمد برقی محور یا راوی طریق کتابهای آنان است (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۲۲، ص ۹۹). محمد ماجیلویه که از بزرگان امامیه در قم است داماد احمد برقی است (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۳). علی پسر ماجیلویه نیز نوه دختری احمد برقی و از شاگردان تعلیم یافته توسط برقی معرفی می‌شود (همان، ص ۲۶۱). این نوه راوی برخی اسناد و کتابهای احمد برقی است (نک: همان، ص ۳۲ و ۵۹). از اسناد طرق طوسی برمی‌آید که احمد بن عبدالله برقی، برخلاف آنچه در یک سند نجاشی آمده (همان، ص ۳۳۵)، نوه دختری احمد برقی و نه پسر یا از نوادگان پسر احمد برقی است: «قال حدثنا أحمد بن عبد الله ابن بنت البرقی قال حدثنا جدی أحمد بن محمد» (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴).

ابوطاهر برقی نیز پسر دیگر محمد بن خالد برقی معرفی نمی‌شود، بلکه وی را برادر احمد برقی می‌خوانند تا سرعتر نزد خوانندگان کتاب‌های رجالی شناخته شود (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۴).

از سوی دیگر، به جز معرفی خاندان برقی، معمولاً افرادی که از اطرافیان و معاصران برقی بودند و کتاب و تألیفی داشتند، با آدرس دهی به برقی معرفی می‌شوند. برای نمونه صاحبخانه‌ای که احمد برقی در آن اقامت داشته ابوالقاسم صیرفی است. ضمن شرح حال وی از مکان زندگی و اصالتش، به اینکه او صاحبخانه برقی هم اشاره می‌شود (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۳۸). یا در نمونه دیگر اسماعیل بن سمکه بن عبدالله از غلمان و اصحاب احمد برقی معرفی می‌شود (همان، ص ۹۷؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۷۷).

### ۲-۳-۴. راوی طرق و اسناد

هیچ یک از رجالیان و تراجم‌نگاران امامی، کتابهای احمد برقی را شمارش نکرده و عددی تخمینی ارائه نکردند؛ اما یاقوت حموی که به سبب کتاب السیر برقی، به او توجه خاص پیدا کرده می‌گوید: «تصانیف وی نزدیک به صد کتاب است» (نک: یاقوت حموی، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۳۸۹). بنابراین گزارف نیست اگر احمد برقی را، به جز کتابهای خودش، راوی و ناقل صدها کتاب حدیثی در مجموعه احادیث و کتابهای امامیه بدانیم. فهرستی که احمد برقی از کتابهای راویان پیش از خودش در دست داشته، چنان پرشمار و عظیم بوده که برای نگارش مجدد آنها، از محدثان قم، ری و بغداد یاری گرفته شده است (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۵). احمد برقی به واسطه اتصال به پدرش که حلقه ارتباطی مهمی با راویان عصر صادقین (ع) و عصر حضور ائمه، محسوب می‌شد، به منابع اولیه حدیث امامیه دسترسی داشت. وی نه تنها این منابع و طرق و اسناد آنها را در دست داشت که اشراف و دانش کاملی هم درباره احوال راویان و صاحبان کتاب امامی داشت که سبب می‌شد از اقوال و قضاوت‌هایش در کتابهای رجالی به دفعات یاد شود.

از احمد برقی نقل می‌شود که علی بن مهزیار، کتابهای حسین بن سعید اهوازی را اخذ کرد و سه کتاب به آنها افزود (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۲). از احمد برقی در رجال نجاشی نقل می‌شود که عبدالعظیم حسنی چگونه وارد ری شد و در چه محلی درگذشت (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۴۸).

به صورت کلی احمد برقی در طرق و سنددهی به دهها کتاب در *الرجال نجاشی و الفهرست طوسی* حضور دارد که گاه به تنهایی از صاحب کتاب نقل می‌کند و گاه با واسطه پدرش محمد بن خالد، سند می‌دهد (برای نمونه نک: همان، ۱۳۰، ۴۵۷، ۴۵۸ و ۴۶۱؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۵۶، ۹۹ و ۱۳۴).

لازم به ذکر است به نظر می‌رسد این حضور احمد برقی در اسناد و طرق رجالیان نسبت به علم و داشته‌های وی چندان هم چشمگیر و قابل توجه نیست و همه فهراس برقی را پوشش نمی‌دهد. در یکی از اسناد کافی، روایتی نقل می‌شود که احمد برقی در سند آن حضور دارد: «حدثني محمد بن يحيى عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبي هاشم» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۲۶). در ادامه سند می‌آید که محمد بن یحیی به صفار می‌گوید: «دوست داشتم این خبر از غیر نقل احمد برقی می‌آمد».

احتمالا خرده‌گیری‌های محدثان سختگیر قمی بر احمد و پدرش (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۳۹ و ۹۳) سبب شده محدثان تا حدّ ممکن از طرق و اسناد برقی دوری کنند و اگر طریقی جز برقی، برای یک حدیث یا کتاب حدیثی در دست است، از آن استفاده کنند. این رویکرد اجتناب از طرق برقی، نزد بیشتر محدثان قمی در سده‌های بعدی مانند کلینی و صدوق نیز دیده می‌شود (برای تفصیل بیشتر نک: فرجامی، ۱۳۹۴، ص ۳۲۵).

به هر روی به سبب شهرت و نام‌آوری احمد برقی نسبت به دیگر اعضای خاندان برقی، طبیعی به نظر می‌رسد که کتاب رجال وی تنها با اطلاق برقی یاد شود، در حالیکه مراد احمد برقی است.

## ۵. برآیند

اختلافی که درباره انتساب رجال برقی وجود دارد، بیش از همه برخاسته از کم توجهی به کتابهای برقی است. موضوع کتابهای برقی که بیشتر به شناخت شهرها و سرزمین‌ها و اخبار تاریخی می‌پردازد یا احادیثی که درباره آداب و رسوم معاشرت و مستحبات است، کمتر به فقه و اصول فقه حوزه های شیعه و نیز علم کلام خاص امامیه ارتباط داشته است. از این رو شاید استنساخ و مکرر رواج آن، چندان لازم و حیاتی به نظر نیامده است. *المحاسن* با وجود گستردگی و داشتن سندهای کهن قرن سوم، دچار افتادگی و نقصان شده و *الرجال*، به سبب اختصار و خالی بودن از اطلاعات جرح و تعدیلی معمولاً در بررسی‌های سندی و رجالی مغفول واقع شده است. با آنکه کشی فرد نامداری میان محدثان امامی نبوده است، طوسی کتاب رجال وی را برگزیده تا مختصر کند. تنها صدوق احتمالاً به سبب آشنایی بیشتر با نوادگان و خاندان برقی، کوشیده توضیح و ویرایشی بر کتاب *الرجال* برقی انجام دهد که تلاشش به سرانجام نرسیده است.

بنابراین درباره نویسنده کتاب *الرجال* برقی، در سده های اخیر، شبهه و اشکالاتی وارد شده است. گاهی آن را به پدر برقی و گاهی به نوادگان برقی نسبت می دهند. برخی دلایلی که برای این تغییر انتساب مطرح می کنند، به قطع قابل ردّ و خدشه است. از سوی دیگر، مطالعه عمیق و جزئی کتابهای رجالی و اسناد حدیثی جای تردید باقی نمی گذارد که این کتاب متعلق به احمد برقی است که بزرگ خاندان برقی در سده سوم بود و کتابهای بی شمارش در منابع و فهرست نویسی های اهل سنت نیز راه یافت. مهم ترین این قرائن، تصریح بزرگان و متقدمان رجالی است که از میان خاندان برقی تنها برای احمد برقی کتاب رجالی قائل هستند.

### کتابنامه

- ۱- آقابزرگ تهرانی، (۱۹۸۳م)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الاضواء، چاپ سوم.
- ۲- ابن سعد، محمد، (بی تا)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارصادر.
- ۳- ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، چاپ دوم، نجف: مطبعة الحیدریه.
- ۴- ابن غضائری، احمد بن حسین، (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث.
- ۵- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۵۰ش)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران.
- ۶- برقی، احمد بن ابو عبدالله، (بی تا، الف)، *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۷- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (بی تا، ب)، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین حسینی محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (بی تا)، *کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۹- خلیفه بن خیاط، (۱۴۱۴ق)، *تاریخ خلیفه*، به کوشش سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ۱۰- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، چاپ پنجم، نجف.
- ۱۱- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ۱۲- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، تحقیق عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان.
- ۱۳- شوشتری، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ۱۴- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، قم: مؤسسه البعثة.
- ۱۵- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۷ق)، *التوحید*، به کوشش سید هاشم حسینی، قم: جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه.
- ۱۶- صدوق، محمد بن علی، (بی تا)، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.

- ١٧- صدوق، محمد بن علي، (١٤٠٤ق)، **من لا يحضره الفقيه**، تحقيق علي اكبر غفاري، چاپ دوم، قم: جامعة المدرسين.
- ١٨- طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، (١٣٦٣ش)، **الاستبصار فيما اختلف من الاخبار**، تحقيق سيدحسن خراسان، تصحيح محمد آخوندي، چاپ چهارم، قم: دارالكتب الاسلاميه.
- ١٩- طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، (١٣٦٥ش)، **تهذيب الاحكام**، تحقيق حسن خراسان، تصحيح محمد آخوندي، چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- ٢٠- طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، (١٤١٥ق)، **الرجال**، تحقيق جواد قيومي، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعة المدرسين.
- ٢١- طوسي، ابوجعفر محمد بن حسن، (١٤٢٢ق)، **الفهرست**، تحقيق جواد قيومي، چاپ دوم، قم: نشرالفقاهه.
- ٢٢- علي بن محمد علوي، (١٤٠٩ق)، **المجدي في اَساب الطالبين**، تحقيق دكتور احمد مهدوي دامغاني، قم: كتابخانه آيه الله مرعشي.
- ٢٣- فرجامي، اعظم، (١٣٩٤ش)، **زيديه و حديث اماميه**، قم: دارالحديث.
- ٢٤- قمي، محمد بن حسن، (١٣٦١ش)، **تاريخ قم**، ترجمه حسن بن علي بن حسن بن عبدالملك قمي، تحقيق سيد جلال الدين تهراني، تهران: توس.
- ٢٥- كليني، محمدبن يعقوب، (١٣٨٩ق)، **الكافي**، تحقيق علي اكبر غفاري، چاپ دوم، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- ٢٦- ملكيان، محمدباقر، (١٣٩٢ش)، **«نيم نگاهي به كتاب رجال همراه»**، آينه پژوهش، خرداد و تير ماه، شماره ١٤٠.
- ٢٧- نجاشي، احمد بن علي، (١٤٢٤ق)، **الرجال**، تحقيق موسى شبيري زنجاني، چاپ هفتم، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعة المدرسين.
- ٢٨- ياقوت حموي، أبو عبدالله بن عبدالله رومي، (١٤١١ق)، **معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب**، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ٢٩- ياقوت حموي، أبو عبدالله بن عبدالله رومي، (١٩٧٩م)، **معجم البلدان**، بيروت: دار احياء التراث العربي.